

پدر و مادر یک قهرمان باشید



نویسنده: مهدی فرخیان

۱۳۹۷

دوست عزیز و گرامی

شما اجازه فروش این کتاب را ندارید

شما اجازه ایجاد تغییر در محتوای این کتاب را ندارید

شما می‌توانید این کتاب را به دیگران هدیه بدهید

شما می‌توانید این کتاب را برای دانلود در سایت یا شبکه‌های اجتماعی قرار دهید

با هدیه دادن این کتاب به دیگران کمک کنیم تا آن‌ها هم

زندگی قهرمانی را برای خود و فرزندان‌شان بسازند

تقدیم به همسر عزیزم

که در سخت‌ترین شرایط زندگی بهترین حضور را در کنارم داشته است

فهرست مطالب

مقدمه‌ای در کار نیست

دستورالعمل

بخش اول

داستان زرافه

ما چه کاری انجام می‌دهیم؟

شکوفایی فراموش شده

تربیت یا تسخیر

علاقه‌ای که به وجود آمد

دوره‌می خانوادگی

کمی استراحت

بخش دوم

اشتباهی که می‌تواند نابودکننده باشد

ایراد بزرگ

یک راه حل کاربردی اما نادیده گرفته شده

راه اشتباهی که وسوسه‌کننده است

ردپای حسرت

یک کلیشه نادیده گرفته شده

فهرست مطالب

شروع یک معجزه

آزمایش یک اثر ماندگار

پاسخ‌های نادرست

فروشگاه‌های بدجنس

کلاس درس یا فروشگاه

ظلم یا لطف

اثر هم‌افزایی

تبلیغ هوشمندانه

ورود به عصر جدید در ایران

بخش سوم

تربیت قهرمانانه

سناریو جالب

چهره واقعی

آغاز یک اتفاق خوب

بروزرسانی کنید

آزمایشی که شکست خورد

چک لیست کارهایی که باید بعد از مطالعه کتاب انجام دهید

مقدمه‌ای در کار نیست

از آن جایی که این کتاب الکترونیکی خود به صورت مختصر و مفید نوشته شده و مستقیماً به سراغ اصل مطلب رفته، نوشتن مقدمه برای آن ضرورتی ندارد

دستورالعمل دارد

این کتاب به گونه‌ای طراحی شده که بتوانید به راحتی به موضوعات مهم دسترسی داشته باشید. همچنین مطالب تکمیلی برای افزایش کارایی این کتاب در انتها معرفی شده‌اند بنابراین دستورالعمل صفحه بعد را مطالعه کنید تا کار با کتاب را بهتر یاد بگیرید و از آن نهایت استفاده را

ببرید

دستور العمل

کادرهای رنگی: به رنگ **قرمز** و **نارنجی** بالای هر کادر دقت کنید

جالب‌انگیز

کادرهایی با این مشخصات در کتاب دیده می‌شوند که برای دسترسی آسان‌تر شما به موارد مهم کتاب تعبیه شده‌اند. برای این که مطالب را راحت‌تر به خاطر بسپارید حتما اطلاعات این کادرها را مطالعه کنید تا در مراجعه‌های بعدی بتوانید با درک بالاتری این کتاب را مطالعه کنید

انجام میدم

این کادرها در واقع برای عملی کردن مطالب کتاب در نظر گرفته شده‌اند بنابراین از اهمیت بالایی برخوردارند. اگر می‌خواهید از این کتاب نهایت استفاده را ببرید حتما کارهای عملی مربوط به این کادرها را انجام دهید تا نتایج فوق‌العاده‌ای بگیرید

مقاله‌های مکمل: مطالعه این مقاله‌ها به شما کمک ویژه‌ای می‌کنند تا مطالب کتاب را در زندگی خود بهتر پیاده‌سازی کنید. برخی مفاهیم وجود دارند که معمولا اکثر ما فکر می‌کنیم آن‌ها را می‌دانیم اما زمانی که با تعریف دقیق هر مفهوم بیشتر آشنا می‌شویم دریچه تازه‌ای را بر دیدگاه خود تجربه خواهیم کرد. از همین جهت در قسمت پایانی کتاب لینک مقالات مورد نیاز را برای شما قرار داده‌ام تا دسترسی راحت‌تری به آن‌ها داشته باشید. توصیه می‌کنم حتما مقالات معرفی شده را مطالعه کنید

بخش

۱

پدر و مادر یک قهرمان باشید

www.zehnology.com



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

داستان زرافه

زمانی که می‌خواستیم نوشتن این کتاب را شروع کنیم داستان معروفی از شیوه تربیتی زرافه‌ها را به یاد آوردیم. داستان از این قرار است که وقتی بچه زرافه به دنیا می‌آید، سعی می‌کند بایستد ولی در کمال ناباوری زرافه مادر، لگدی آرام به او زده تا به زمین بخورد و این کار را بارها و بارها تکرار می‌کند

وقتی که دیگر بچه زرافه توان بلند شدن ندارد مادرش با لگدی محکم او را مجبور می‌کند که بایستد و البته این بار دیگر تعادلش را به هم نمی‌زند. در واقع زرافه مادر قصد دارد با این کار به بچه خود آموزش دهد که وقتی زمین خوردی باید فوراً بلند شوی و گرنه تبدیل به یک طعمه خواهی شد

آیا زرافه مادر نمی‌توانست به زبان زرافه‌ای به بچه خود بگوید: بلند شو و گرنه حیوانات وحشی تو را می‌خورند؟ احتمالاً اگر چنین اتفاقی می‌افتاد این داستان دیگر آموزنده نبود

ما چه کاری انجام می‌دهیم؟

البته این کاری نیست که معمولاً ما با فرزندان خود انجام می‌دهیم اما مشابه آن در بُعد انسانی و کاملاً ناخودآگاه بسیار زیاد اتفاق می‌افتد. تربیتی که خودمان از آن آگاه نیستیم ولی به خوبی به فرزندانمان انتقال می‌دهیم

مثلاً خانمی از پرخشگری کودک خود می‌گفت در صورتی که خودش و همسرش افراد آرامی بودند و یا مادر دیگری نگرانی زیادی بابت بدغذایی کودکش داشت در صورتی که خودش و همسرش، خوب غذا می‌خوردند. این موضوع در رابطه با اعتماد به نفس و یا توانایی در زمینه‌های مختلف هم تکرار شد اما هیچکدام دلیلش را نمی‌دانستند



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندانمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

چنین مسائلی در ابعاد مختلف همیشه به وجود می‌آیند اما راه‌حلی که معمولاً در پیش می‌گیریم همیشه کاربردی نیست. ممکن است برای اینکه کودک، حرف ما را بپذیرد برای او هدایای مختلفی در نظر بگیریم حتی او را تنبیه کنیم و یا این مسائل را با یک روانشناس کودک در میان بگذاریم که به احتمال زیاد هیچکدام اثر بخش نخواهند بود. نهایتاً مجبوریم با این اوضاع سازگار شویم تا بلاخره معجزه‌ای رخ دهد

جالب انگیز

کودکان بیشتر از والدین خود چیزی یاد می‌گیرند تا از کلاس‌های آموزشی مختلف

بزرگ‌ترین حافظه جهان

همه ما انسان‌ها مانند یک دوربین فیلم‌برداری هرچیزی که در اطرافمان اتفاق بیفتد را در حافظه‌مان ذخیره می‌کنیم با این تفاوت که دوربین، حافظه محدودی دارد و احساس را ذخیره نمی‌کند اما حافظه انسان بو، رنگ، مزه و همه احساسات را برای همیشه و تمام و کمال در خود ذخیره می‌کند

هر شخص با توجه به محیط و شرایط زندگی خود تجارب متفاوتی دارد اما نقطه مشترک بین همه ما ناآگاهی است. به جرات می‌توان گفت کسی در این دنیا آنقدر به خود مسلط نیست که بتواند اعماق ذهن خودش را درک کند و از تربیت نهفته در آن آگاه باشد. بسیاری از این اطلاعات نهفته متعلق به دورانی است که ما هنوز به دنیا نیامده‌ایم. بنابراین بدون اطلاع خودمان هم آن را به فرزندان خود منتقل کرده و سپس از رفتار آن‌ها متعجب می‌شویم



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندانمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

شاید به این موضوع پی برده باشید که با وجود تفاوت‌های عمده با والدین‌تان، چند ویژگی را از آن‌ها به ارث برده‌اید که شاید هیچگاه دوست نداشتید و یا شاید برعکس آن را تجربه کرده باشید

در یکی از سمینارهای تربیت فرزند که داشتم یکی از خانم‌ها پسر پنج ساله‌اش را نشان داد و با نارضایتی گفت "این هم داره مثل پدرش میشه". از او پرسیدم خب مگر شما دوست ندارید که این اتفاق بیافتد؟ پاسخی که داد جالب بود

روابط زناشویی این زوج در گذشته بسیار آزاردهنده بوده و بعد از تصمیم جدی برای داشتن فرزند و همچنین کمک یک روانشناس، گذشته را فراموش کرده و رابطه‌شان بسیار خوب می‌شود. اما حالا که این کودک به سن ۵ سال رسیده است مادر، برخی رفتارهای نادرست گذشته شوهرش را در بچه خود می‌بیند

قطعا این کودک نمی‌تواند در چنین سنی کاملا رفتارهای گذشته پدرش را تکرار کند ولی احساسی که از رفتارهایش به مادر منتقل شده تداعی کننده آن رفتارهای بد است. معمولا مادرانی که در چنین شرایطی قرار می‌گیرند همه تلاش خود را در جهت تغییر رفتار آن کودک می‌کنند که معمولا هم نتیجه عکس می‌دهد

عادات، طرز فکر، رفتار، شخصیت، مدل ذهنی و هرچیزی از این دست که فکرش را می‌کنید همیشه با ما همراه است. برخی از آن‌ها به ژنتیک ما برمی‌گردد اما درصد کمی را شامل می‌شود و اکثر آن‌ها کاملا قابل کنترل هستند حتی تغییر رفتارهای ژنتیکی هم کار غیرممکنی نیست



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

جالب‌انگیز

آن چیزی که در ناخودآگاه شما وجود دارد به کودکان منتقل می‌شود
نه آن چیزی که خودتان دوست دارید

شکوفایی فراموش شده

همه تلاش من در این کتاب کمک به والدین عزیز است که دوست دارند فرزند فوق‌العاده‌ای داشته باشند اما از نوع تربیتی که در حال انتقال آن به فرزند خود هستند آگاهی ندارند. از طرفی به خاطر مشغله زیاد و فشارهای زندگی دست از شکوفایی خود کشیده‌اند تا بتوانند فرزندشان را شکوفا کنند

همه ما در طول زندگی و در هر سنی درگیر تربیت شدن هستیم و تصمیم‌گیری‌هایمان را براساس جدیدترین اطلاعات وارد شده به مغز می‌گیریم. همان اطلاعاتی که همه‌جا هستند اما هرکدام از ما به نسبت شرایط تربیتی که در آن قرار داریم این اطلاعات را غربال می‌کنیم و فقط آن‌هایی را که دوست داریم می‌پذیریم

تصور کنید در حال رفتن به یک فروشگاه هستید، ناگهان مردی را می‌بینید که با عجله و سرعت زیاد در حال دویدن است و فریاد می‌زند امروز یک بمب در مرکز شهر منفجر می‌شود همگی باید از این شهر برویم. عکس‌العمل شما در برابر این خبر چیست؟

جالب‌انگیز

ذهن چنان قدرتی دارد که همین حالا با خواندن این متن به یاد اولین صحنه مشابه در یک فیلم و یا داستان واقعی می‌افتید



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

معمولا اکثر افراد تابع رفتار جمع هستند و اگر تعدادی از مردم شروع به فرار کنند بقیه هم فرار می‌کنند اما افکاری که بعد از این خبر به ذهن هرکدام از ما می‌رسد متفاوت است

مثلا شخصی شب گذشته فیلم سینمایی جدیدی را دیده است که در آن جزئیات یک بمب‌گذاری را نمایش می‌دهند. به احتمال زیاد مغزش فوراً بررسی می‌کند که شواهدی که در آن فیلم دیده است با اتفاقاتی که امروز در حال افتادن است شباهتی دارند یا خیر. معمولا هم شواهدی پیدا می‌شود و با همین خبر ساده که ممکن است شایعه‌ای بیش نباشد ترس و دلهره در وجود ما رخنه می‌کند

برعکس آن هم ممکن است، اگر شما شخصی باشید که اصلا علاقه‌ای به دیدن چنین فیلم‌هایی ندارد خیلی سخت قبول می‌کنید که این خبر واقعی باشد (البته عوامل بسیار زیادی در این موضوع دخالت دارند اما فعلا بقیه عوامل را حذف کردم تا درک این تصور آسان‌تر باشد). مثلا صبر می‌کنید تا ارگان‌های نظامی خبر را تایید یا تکذیب کنند بعد تصمیم بگیرید

چنین مثالی را با فیلم‌های ترسناک هم می‌توان بیان کرد. معمولا سکانس‌های ترسناک و دلهره آور این نوع فیلم‌ها در شب و تاریکی است. دقت کنید همین حالا که در حال خواندن این جمله هستید یکی از سکانس‌هایی را به خاطر آوردید که به نظر ترسناک بوده است

حتی اگر اهل دیدن چنین فیلم‌هایی نباشید و فقط یکبار آن‌هم به صورت نیمه‌کاره یک فیلم ترسناک را دیده باشید باز هم دست و پا شکسته سکانس حک شده در حافظه‌تان را به خاطر می‌آورید



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندانمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

انجام میدم اول

خودتان را بر اساس مثال‌هایی که زدم بررسی کنید و ببینید اکثر عکس‌العمل‌هایتان بر اساس کدام تجربه گذشته است و آن را یادداشت کنید

تربیت یا تسخیر

در واقع به اتفاقی که در مثال‌های قبل افتاد می‌گوییم تربیت غیرمستقیم که در طول روز و به روش‌های مختلفی برای همه ما اتفاق می‌افتد. رسانه‌های مختلف مثل شبکه‌های اجتماعی و یا تلویزیون نقش بسیار زیادی در این نوع تربیت دارند که برای تربیت غیرمستقیم سن و سال اصلا ملاک نیست و همه ما در هر سنی در معرض این تربیت قرار داریم

در کودکان بیشترین تاثیر از جانب پدر و مادر اتفاق می‌افتد و رسانه‌ها جهت دهی را برعهده می‌گیرند که معمولا هم اصلا جهت‌دهی مناسبی نیست. متأسفانه والدین اصلا تمرکزی بر تربیت غیرمستقیم فرزندان خود ندارند و اگر هم چیزی از آن بدانند هنوز به طور کامل نمی‌توانند آن را اجرا کرده و بازخوردهای خوبی بگیرند

شاید اگر نام این تربیت را نوعی تسخیر می‌گذاشتیم که "توسط جامعه‌های بزرگ و کوچک بر ما تحمیل شده"، بهتر بود اما فعلا از واژه تربیت استفاده می‌کنیم تا از واژه‌های آشناتر استفاده کرده باشیم. ما معمولا از تربیت مستقیم استفاده می‌کنیم که معمولا بیشتر مورد توجه واقع می‌شود و البته اثر کمتری هم دارد

به فرزند خود می‌گوییم این کار را نکن یا این کار را بکن ولی خبر نداریم که اثر این توصیه چه می‌تواند باشد. این جملات دستوری نوعی از تربیت مستقیم هستند که نتیجه خیلی کمتری دارند اما چون آسان‌تر به نظر می‌رسند بیشتر استفاده خواهند شد



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندانمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

علاقه‌ای که به وجود آمد

بذر تربیت غیرمستقیم از دوران بارداری و حتی قبل از آن در ذهن فرزند کاشته می‌شود و هرکدام از ما در طول زندگی تنها کاری که می‌کنیم جهت دهی به رشد این بذر است. شاید برایتان سوال پیش بیاید که چطور ممکن است یک آقا یا خانم قبل از تصمیم به بچه‌دار شدن در حال تربیت فرزندشان باشند؟

در یکی از کلاس‌های آموزشی والدینی به من مراجعه کردند تا درباره رفتار پسر ۷ ساله خود با مادرش سوالاتی بپرسند. بعد از کمی گفتگو به این نتیجه رسیدیم که مادر خانواده در گذشته علاقه زیادی به داشتن فرزند در خود نمی‌دید و بعد از بارداری و به دنیا آمدن پسرش دیدگاه خود را تغییر داده و حالا کاملاً عاشق اوست

اما دوری کردن این پسر بچه از مادرش آن‌ها نگران کرده بود به طوریکه مادرش را تا حد زیادی نادیده می‌گرفت و بیشتر به سمت پدرش تمایل داشت. مطمئناً چنین رفتاری دلایل زیادی را در بر دارد اما ریشه‌ای‌ترین دلیل آن گذشته این خانم است که علاقه‌ای به بچه‌داری نداشته ولی بعد از بارداری تغییر کرده است

جالب‌انگیز

همه ما تجربه تغییر علاقه را داریم. مثلاً ممکن است تا ۱۵ سالگی به خوردن شیر پاستوریزه کاملاً حس بدی داشته باشیم و بعد از آن ناگهان در یک سفر و یا در شرایط متفاوت به خوردن شیر علاقه نشان دهیم و دلیل آن را هم اصلاً ندانیم و مشابه این مثال بسیار اتفاق می‌افتد
به نظر شما دلیل این موضوع چیست؟



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندانمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

دوره‌می خانوادگی

زمانی که به چیزی فکر می‌کنیم و یا موضوعی را تجربه می‌کنیم مگر ما در تلاش است تا وقایع آینده را هم به همین تجربه‌ها و یا افکار نسبت دهد. یکی از تصوراتی که در بین اکثر افراد جامعه رواج دارد بی‌کاربردی انتگرال و دیفرانسیل در زندگی است. البته این مثال را در جهت دفاع از سیستم آموزش و پرورش کشورمان بیان نکرده و بیشتر سعی در توضیح تربیت غیرمستقیمی داریم که در جامعه در حال توسعه است

ما کم کم یاد می‌گیریم که اکثر دروس ریاضی در زندگی کاربردی ندارند و آنقدر از آن فاصله می‌گیریم که دیگر هر وقت کلمه ریاضی را می‌شنویم حسرت زمان تلف شده خود در دانشگاه را می‌خوریم

در این مثال به وضوح نسبت دادن تجارب آینده به اطلاعات گذشته در مغز مشخص است و معمولا چنین اتفاقی آنقدر ادامه پیدا می‌کند تا اینکه یک اتفاق این طرز تفکر را در ما تغییر دهد و ناگهان کلیه افکار ما را به یک سمت جدید بکشاند

در تربیت فرزندانمان هم چنین موضوعی کاملا صادق است. کودکی را تصور کنید که در یک دوره‌می خانوادگی حضور دارد. کودک در حال بازی کردن در گوشه‌ای از خانه و حتی بدون توجه به موضوع صحبت جمع است اما چشم و گوش او به طرز دقیقی همه چیز را در حافظه ذخیره می‌کنند. پدر خانواده به برادرش می‌گوید این همه سال در دانشگاه انتگرال خواندیم و تا به حال هیچ کاربردی برایمان نداشته است و برادر هم حرف او را تایید می‌کند. همین کافی است تا پیش زمینه تنبلی در یادگیری انتگرال در کودک به وجود بیاید



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندانمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

دقیقا با همین حساسیت در حال تربیت غیرمستقیم کودک خود هستید و ۱۰ سال بعد اصلا به یاد نمی‌آورید که چه کار درست یا اشتباهی انجام داده‌اید. کودک هم چیزی به خاطر نمی‌آورد اما بذری در ذهن او کاشته شده که اگر درست هدایت نشود بسیار آسیب‌زننده است. اگر مثال بالا برای شما هم صدق می‌کند بهتر است بدانید برای کودک شما در آینده نه تنها انتگرال بی کاربرد است بلکه هر درس یا کار دیگر هم می‌تواند بی کاربرد باشد. حتی ممکن است برخی از موارد پر اهمیت از نظر شما، در دیدگاه فرزندان کاملا بی اهمیت به نظر برسد که نهایتا ریشه در رفتار خودتان دارد

در این بین از اهمیت علاقه و استعداد هم غافل نشویم زیرا دو عامل پرتاثیر بر انتخابهای فرزندانمان هستند. اگر مسیر خوبی به بذره‌های درون ذهن بدهیم قطعاً نتیجه متفاوتی را خواهیم گرفت بنابراین نگران حرف‌ها یا کارهای گذشته خود نباشید و به جای آن تمرکز خودتان را بر شکل دادن به بذره‌های درون ذهن خود و فرزندان معطوف کنید

کمی استراحت

تا اینجا یاد گرفتیم که بر تصمیمات، افکار و اقدامات خود بسیار هوشیارتر باشیم و حواسمان باشد که چه کاری انجام می‌دهیم یا چه چیزی می‌گوییم زیرا همه اقدامات ما اثرات جانبی دارند که باعث تربیت غیر مستقیم خواهند شد. حالا کمی به خود استراحت بدهید (حدود ۱۵ دقیقه) و دوباره به ادامه مطالعه بپردازید تا ذهن‌تان بتواند مطالب را به دقت پردازش کند

بخش

۲

پدر و مادر یک قهرمان باشید

www.zehnology.com



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندانمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

اشتباهی که می‌تواند نابودکننده باشد

تکیه بر آموزه‌های آموزش و پرورش و یا کلاس‌های جانبی آن به تنهایی برابر است با نابودی آینده فرزند شما. دقت کنید که این موضوع حتی اگر آموزش و پرورش فوق‌العاده‌ای داشتیم هم کاملاً صدق می‌کرد. در کشورهایی همچون اتریش و یا فنلاند که نظام آموزشی و پرورشی خوبی دارند بازهم خانواده‌ها از تربیت غیرمستقیم فرزندان‌شان آگاه هستند و می‌دانند که مسئولیت تربیت صحیح به‌تنهایی برعهده مدارس و مراکز آموزشی نیست

بنابراین بهتر است قبل از ثبت‌نام فرزندانمان در کلاس‌های فوق آموزشی و یا حتی مدارس عالی بررسی کنیم که خودمان آمادگی جهت‌دهی به بذره‌های ذهن آن‌ها را داریم یا خیر. زیرا اگر این‌گونه نباشد بسیار بعید است که بچه‌های ما بتوانند تصمیم‌های مهمی مثل انتخاب دوست و یا پیدا کردن علاقه در آینده را بگیرند

ما فرزندان خود را نزد مشاور می‌بریم و از او می‌خواهیم که بهترین راه را برای ادامه مسیر در اختیارش قرار دهد. اما این کار چیزی جز تربیت مستقیم نیست و حتی اگر واقعا راه مشخص شده فوق‌العاده باشد و فرزندانمان هم، خود را مایل به آن راه نشان دهد تضمینی برای موفقیتش نخواهد بود

ایراد بزرگ

بعد از پی بردن به اهمیت تربیت غیر مستقیم توسط والدین بهتر است از ایراد بزرگی که در سیستم آموزش و پرورش کشورمان وجود دارد آگاه باشیم تا با انگیزه بیشتری تربیت کامل فرزندانمان را بر عهده بگیریم. متأسفانه سیستم آموزشی کشور نتوانسته خودش را با نیازهای موجود در جامعه هم‌راستا کند زیرا سرعت یادگیری در همه مردم بسیار بالاتر از گذشته است و دیگر کمتر کسی حاضر است بر سرکلاس‌های خشک و بی‌روحی شرکت کند. در واقع هیچ انگیزه‌ای برای افراد در حال تحصیل ایجاد نشده تا به خاطر رسیدن به آن تلاش‌های مفیدی داشته باشند



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

جالب انگیز

اخذ مدرک به بهانه آینده شغلی بهتر هرگز ایده خوبی برای انگیزه دادن به افراد در حال تحصیل نخواهد بود. باین حال بسیاری از والدین فرزندشان را برای مدرک تحصیلی به ادامه تحصیل وادار می‌کنند

البته برای حل این موضوع والدین باید دست به کار شده و تغییری ایجاد کنند. منظور من تلاش برای تغییر سیستم آموزشی کشور (مخصوصا با اعتراض) نیست بلکه تغییر دیدگاه و سبک تربیتی فرزند است. زیرا بذره‌های نادرست و یا کم رشد در آنها باعث می‌شود که حتی در یک شرایط خوب هم جسارت رشد کردن را نداشته باشند

یک راه حل کاربردی اما نادیده گرفته شده

یکی از بهترین راه‌های تغییر دیدگاه در فرزندانمان استفاده از پیام مخفی در کارهای روزمره زندگی است. اما اگر کار با آن را بلد نباشیم می‌تواند اثر عکس داشته باشد بنابراین در این قسمت فقط به کاربرد آن اشاره می‌کنم و در ادامه طرز کار با آن را به همراه بهترین روش تربیت غیرمستقیم ارائه خواهیم کرد

جالب انگیز

با پیام مخفی شما قادر به تغییر در هر چیزی هستید. می‌توانید روابط خود را با همسر و فرزندان، با همکاران و حتی رابطه با خودتان را به بهترین حالت تبدیل کنید



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندانمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

برای همه ما بارها اتفاق افتاده که ناراحتی را در شخصی احساس کرده‌ایم در صورتی که خودش می‌گوید ناراحت نیست. یا در یک جمع از افراد مختلف، برخی احساس خوب و برخی دیگر حس بدی به ما منتقل می‌کنند در صورتی که حتی هنوز حرفی زده نشده است. چرا این اتفاق‌ها می‌افتد؟ مثال‌های قسمت قبل نمونه بسیار ساده و ناآگاهانه از انتقال پیام مخفی هستند که می‌توان میلیون‌ها مثال مشابه برای آن‌ها بیان کرد

همه عضلات موجود در بدن ما و فرم قرارگیری هر کدام توان انتقال احساسات درون ذهن را دارند. مثلاً هنگام حرف زدن اگر انگشت اشاره را باز نگه داشته و بقیه انگشت‌های دست را مشت کنیم در اکثر مواقع حس تهدید را با کلام خود به شخص مقابل منتقل کرده‌ایم، یا اگر هنگام صحبت کردن بینی خود را بخارانیم ممکن است طرف مقابل احساس کند که در حال دروغ گفتن هستیم

به این راه ارتباطی زبان بدن می‌گویند که البته قصد ندارم در این کتاب به شرح آن پردازم اما در همین حد بدانید که حالات و فرم قرارگیری هر عضله در بدن نشان‌دهنده احساس درونی است و می‌تواند مقداری از پیام مخفی را انتقال دهد

انجام میدم دوم

سعی کنید جلو آینه با خودتان پانتومیم بازی کرده و حالات مختلف احساساتتان را بدون بیان هیچ کلمه‌ای ابراز کنید. مثل خجالت کشیدن یا عصبانیت و یا دروغ‌گویی



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

راه اشتباهی که وسوسه‌کننده است

کتاب‌ها و آموزش‌های زیادی در رابطه با زبان بدن وجود دارد که اگر علاقه‌مند به یادگیری هستید می‌توانید از آنها استفاده کنید اما من چنین توصیه‌ای برای شما ندارم زیرا اگر بخواهید احساسات واقعی خود را با تغییر زبان بدن تحت کنترل بگیرید و نگذارید کسی بفهد که دقیقا چه احساسی دارید از همین حالا قول می‌دهم که شکست می‌خورید. راه بهتری هم هست، بنابراین با من و ادامه کتاب همراه باشید

زبان بدن نمونه بسیار ساده‌ای از پیام مخفی است که می‌توان برای القا به شخص مقابل استفاده کرد و این کار بدون هیچ آموزشی در حال حاضر هم قابل اجراست. اما راه بهتر استفاده از پیام مخفی در اقدامات است. توصیه قبل من حاوی یک پیام مخفی بود که با توجه به برداشت شما می‌تواند تغییراتی داشته باشد. زمانی که توصیه کردم زبان بدن را یاد بگیرید چه احساسی داشتید؟

برخی ممکن است همین حالا هم زبان بدن را تا حدودی بدانند و عده‌ای هم برای اولین بار باشد که اسم زبان بدن را می‌شنوند. با این حال برخی احساس خوبی نسبت به موضوع پیدا کردند ولی اگر از روی کنجکاوی درباره آن تحقیق کنند به زودی ناامید خواهند شد

زیرا به احتمال خیلی زیاد کسی که می‌خواهد به شما زبان بدن را آموزش بدهد درباره بروز احساس واقعی با شما حرف می‌زند و شما پیش زمینه لازم را برای ناامیدی و ادامه این کتاب خواهید داشت بنابراین برمی‌گردید و اگر کتاب را تمام نکرده‌اید آن را به اتمام می‌رسانید

ردپای حسرت

در تربیت غیر مستقیم فرزند هم استفاده از پیام مخفی همین‌قدر کلیدی است. زمانی که با چالش بزرگی در زندگی روبرو هستید خواه ناخواه این حرف‌ها را برای مدت کوتاهی فراموش



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

می‌کنید و در بدترین حالت کارهایی را انجام می‌دهید که در فرزندتان اثرات منفی می‌گذارد و در بهترین حالت تلاش می‌کنید احساساتتان را از او مخفی کنید تا او حال بد شما را متوجه نشود

به عنوان مثال وقتی بابت چالش خود نگرانی دارید تقریباً با همه حسرت‌هایتان در زندگی شروع به خودزنی می‌کنید و ممکن است در بین این حسرت‌ها یکی از آن‌ها بیشتر شما را آزار بدهد. می‌توان گفت اگر راه حلی برای آن پیدا نکنید به زودی شاهد آثار مخرب آن در کودک خود خواهید بود زیرا در تک تک اقدامات خودتان ردپایی از آن حسرت وجود دارد

جالب‌انگیز

هنگام خودزنی اگر با تلفن حرف می‌زنید، رانندگی می‌کنید، با همسر خود به بیرون از خانه رفته‌اید و حتی لحظاتی قبل از خوابیدن به روش‌های مختلف خودتان را با آن حسرت به در و دیوار می‌کوبید و فرزند شما در هر سنی که باشد در حال ضبط دقیق آن‌هاست

بارها افرادی را دیده‌ام که هنگام مشاوره، از کودک خود (معمولاً ۳ سال به بالا) گله می‌کنند که نمی‌توانند جلوی او را بگیرند تا زخم‌های روی دست و بدن خود را نکند و نهایتاً به همان نتیجه خودزنی با حسرت‌هایشان می‌رسیم که در کودکان به این شکل از خودزنی تبدیل شده است. بنابراین پیام مخفی درون هریک از اقدامات ما به راحتی در رفتارهای آتی کودکان به نسبت سنی که دارد بروز می‌کند و راهی برای جلوگیری از این موضوع وجود ندارد. بهترین راه تغییر و کنترل احساسات درونی است



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندانمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

یک کلیشه نادیده گرفته شده

راز افرادی که در تربیت غیرمستقیم خودشان و فرزندان‌شان موفق بوده‌اند استفاده از محبت بی‌قید و شرط است. معمولاً ما آدم‌ها رویارویی با خودمان را سخت‌ترین کار دنیا می‌دانیم زیرا هنگام چنین رویارویی باید مسئولیت کارها و همچنین عواقب تصمیماتمان را بر عهده بگیریم. حتی برخی از افراد آن قدر از برعهده گرفتن مسئولیت خودشان هراس دارند که هیچ وقت در زندگی حاضر به تغییر نخواهند بود.

بنابراین خود را وادار به انجام کارهایی می‌کنیم که اگر روزی لازم بود به خودمان بابت کارهایمان جوابی پس بدهیم بهانه‌ای برای فرار از موقعیت داشته باشیم

جالب انگیز

در اکثر مواقع افتخار نمره بالا در مدرسه توسط فرزندان برای ما از ارزش زحمت او بسیار بیشتر است. گاهی بدون فکر کردن و خیال‌پردازی درباره آن، علاقه‌مندیم که فرزندان نمره بیست بیاورد که اگر روزی کسی پرسید که درس فرزند شما چطور است؟
با افتخار کارنامه‌اش را نشان دهیم و بگوییم **عالی**

ممکن است او را به کلاس‌های اضافه مختلف بفرستیم و یا در صدها آزمون استعدادشناسی شرکت دهیم تا از او یک نخبه بسازیم و پررنگ‌ترین دلیل‌مان هم راحتی خیال از بابت انجام وظیفه خواهد بود. بخواهیم کمی روراست باشیم شاید گاهی به آینده این تصمیم هرگز فکر نکنیم و فقط به خیال‌پردازی درباره زمانی بپردازیم که همه می‌فهمند من به عنوان پدر یا مادر این نخبه همیشه حامی او بودم و از هیچ تلاشی دریغ نکردم



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندانمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

البته همگی حق داریم زیرا واقعا او را حمایت کرده‌ایم و در تک تک لحظات هر نیازی که داشته را برایش فراهم نموده‌ایم اما تنها ایراد کارمان عدم دقت به پیام مخفی است که به فرزند خود منتقل می‌کنیم

اگر او آن طور که شما انتظار دارید موفق نشد چه پیش می‌آید؟

کم کم انگیزه در ما برای موفقیت او کم رنگ و کم رنگ‌تر می‌شود، تا به جایی برسد که دیگر ناامید می‌شویم. رفتارمان با گذشته متفاوت می‌شود و اگر کسی درباره فرزندمان پرسید می‌گوییم توانش را داشت اما ... و هزاران دلیل مختلف می‌آوریم تا دیگر عوامل را مقصر بدانیم و طرف مقابلمان هم تایید کند. همچنین خیالمان راحت است که اگر کسی پرسید و یا در رویارویی با خودمان پاسخی برای گفتن داریم

شروع یک معجزه

تا اینجا تنها سعی در تعریف کلمه محبت (با قید و شرط) را داشتیم اما محبت بدون قید و شرط چگونه است؟

در اصل همه والدین این نوع محبت را نسبت به فرزندانمان دارند اما تحت تاثیر شرایط محیطی و تربیتی ماهیت آن کم کم تغییر کرده و از بی قید و شرطی خارج می‌شود. معمولا دلیل هدف‌گذاری ما برای موفقیت فرزندانمان، آماده کردن بهانه‌هایی برای آینده است و همین موضوع کار را خراب می‌کند

مثلا اگر فرزند من موفق نشود و بعدها که بزرگ‌تر شد به من بگوید چرا مرا کلاس‌های اضافه نگذاشتی تا استعدادم را کشف کنم چه جوابی به او بدهم؟ و یا اگر یکی از آشنایان، فرزند باهوشی داشت که در زمینه‌های مختلف موفقیت‌های زیادی را کسب کرده بود چه توضیحی برای عدم موفقیت فرزند خودم ارائه کنم؟



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

حتی برخی والدین احساس می‌کنند اگر با وجود چندین اشتباه باز هم از فرزندشان همانند گذشته حمایت کنند دیگران، آن‌ها را هم، شریک جرم فرزندشان می‌دانند بنابراین کم‌کم حمایتشان را محو و محوتر می‌کنند

محبت بی قید و شرط می‌گوید هیچ‌کدام از این موارد اصلاً ملاک نیستند و فقط شما به عنوان والدین فرزندتان از او حمایت کنید و به او عشق بورزید. چه موفق بشود و چه دستاوردی نداشته باشد او نیازمند حمایت شماست پس تحت هیچ شرایطی حمایتتان را از او دریغ نکنید. امکان ندارد محبت بی قید و شرطی به مرحله اجرا برسد و فرزند خانواده شکوفا نشود. زیرا پیام پنهان (مخفی) موجود در این نوع محبت، آنقدر زیبا و ارزشمند است که باور فوق‌العاده‌ای را برای او به وجود آورده و مسیر موفقیت را برایش هموار و مسطح می‌کند. این موضوع دست کمی از یک معجزه ندارد

برای فهمیدن این‌که محبت شما چقدر بی قید و شرط است قطعاً نیاز به نفوذ در لایه‌های زیرین ذهن‌تان دارید زیرا به احتمال خیلی زیاد بعد از مطالعه این قسمت با خودتان می‌گویید من که این‌گونه نیستم. از شما می‌خواهم بخش محبت بی قید و شرط را بسیار جدی بگیرید زیرا اثرگذاری آن می‌تواند به اندازه کل مفهوم این کتاب باشد

نفوذ به لایه‌های زیرین ذهن‌تان کار سختی نیست، برای این کار فقط کافیست بیشتر با خودتان روراست باشید و دست از توجیه بردارید. بدون ترس از عواقب تصمیماتی که قبلاً گرفته‌اید نتایج را بررسی کرده و همین کار را با تصمیمات آینده‌تان هم انجام دهید



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

آزمایش یک اثر ماندگار

احتمالا برای شما هم پیش آمده که به یک فروشگاه و یا رستوران می‌روید و فقط دوست دارید در آن لحظه خرید کنید. آنقدر همه چیز در آن مکان باهم، هم‌خوانی دارد که همه احساسات ما را برمی‌انگیزاند. به نظر شما چه عاملی باعث این اتفاق است؟

قبل از پاسخ به این سوال بیایید برعکس این موضوع را هم بررسی کنیم. وارد فروشگاه می‌شوید و اولین حسی که دارید این است: اگر خرید کنم کلاه بزرگی بر سرم رفته است. حالا به نظر شما چه اتفاقی افتاده است؟

من این سوال را از ۲۰ نفر پرسیدم و از آن‌ها خواستم تا دلیل خود را برای تمایل شدید به خرید و عدم تمایل به خرید را بیان کنند. پاسخ‌ها نقاط مشترک زیادی باهم داشتند و از آنجایی که این ۲۰ نفر در سطوح مختلف درآمدی بودند مطمئن شدم میزان درآمد ملاک بسیار پایینی دارد و در این مورد شاید اصلا توجهی هم به آن نشود. برخی از پاسخ‌ها را با شما به اشتراک می‌گذارم تا بتوانید نقاط مشترک خودتان را با این ۲۰ نفر مقایسه کنید

دلایل تمایل شدید به خرید به ترتیب بیشترین رای

نمی‌توانم یک دلیل قطعی بیاورم

در آن لحظه احساس خیلی خوبی داشتم

احساس کردم فرصتی است که همیشه برایم وجود ندارد

دلایل نداشتن تمایل به خرید

رفتار فروشنده بد بود

چیزی که می‌خواستم را نداشت

آن لحظه احساس کردم اگر خرید کنم پشیمان می‌شوم



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

نمی‌دانم چرا خرید نکردم اما پشیمان هم نیستم

جالب‌انگیز

اینجاست که بسیاری از افراد در جاهایی که تمایل شدید به خریدن دارند صرفاً یک نیاز ضروری آن‌ها را مجبور به این کار نکرده است. حتی شاید استفاده زیادی هم از آن نداشته باشند اما پشیمان هم نمی‌شوند و باز هم در موقعیت مشابه اقدام به خرید می‌کنند

این موضوع دقیقاً برای زمان‌هایی که تمایلی به خرید نداریم برعکس عمل می‌کند یعنی حتی اگر چیزی را که به آن نیاز زیادی داریم را در چنین موقعیتی تهیه کنیم به احتمال زیاد پشیمان خواهیم شد و می‌گوییم باید به جاهای دیگر هم سر می‌زدیم

پاسخ‌های نادرست

پاسخ‌های داده شده در بالا توسط افرادی که از آن‌ها سوال کردم به احتمال خیلی زیاد درست نیستند زیرا در موقعیت‌های مشابه قدرت تحلیل از ما گرفته می‌شود و بیشتر دوست داریم احساسی برخورد کنیم پس سخت به یاد می‌آوریم که در آن لحظه از نظر منطقی به چه چیزی فکر می‌کردیم

این مثال به خوبی علت استفاده از تربیت غیرمستقیم و قدرت آن را بیان می‌کند. برخی از فروشگاه‌ها و مراکز خرید از مشاوران بازاریابی و فروش بسیار قدرتمندی استفاده می‌کنند. این مشاوران که به خوبی با "رفتار مشتری در موقعیت‌های متفاوت" آشنا هستند نوعی تربیت



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندانمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

غیرمستقیم را پیشنهاد خواهند کرد. آن‌ها با نفوذ بر احساسات مخفی، اغلب بدون نیاز به انجام هیچ کار خاصی مشتریان را به نوعی هیپنوتیزم کرده تا خریدی لذت بخش را تجربه کنند

جالب‌انگیز

نام تربیت غیر مستقیم بیشتر در این کتاب استفاده می‌شود و در موقعیت‌های دیگر نام‌های متفاوتی برای آن به کار برده می‌شود

فروشگاه‌های بدجنس

بگذارید یکی از کارهایی که فروشگاه‌های حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای را از یکدیگر متفاوت می‌کند را بررسی کنیم تا بهتر متوجه طرز کارشان شوید. به فروشگاه‌هایی که فروشندگانشان مدام با تاکید محصولات را معرفی می‌کند و با دلیل می‌گوید که مناسب شماست دقت کنید: این ترفند بسیار قدیمی است اما دیگر بازدهی گذشته را ندارد. بسیاری از فروشندگان قصد دارند با این کار شما را فریب دهند و این‌گونه فعالیت فروشندگان خوب را هم زیر سوال می‌برند. استفاده کردن از این ترفند کاملاً برابر است با شکست. زیرا اکثر مشتریان حس خوب نمی‌گیرند و خریدی هم انجام نمی‌شود

اما یک فروشگاه حرفه‌ای برای مشتری خود یک خط دید تعریف می‌کند. یعنی دادن اجازه کمتری برای توضیح فروشندگانه و دادن اجازه بیشتر برای آزادی در تصمیم‌گیری مشتری

جالب‌انگیز

این فروشگاه‌ها تعدادی از محصولات خود را فدای محصولات با کیفیتی می‌کنند که از چشم مشتری مخفی مانده است



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

این فرایند با چیدمان فوق‌العاده فروشگاه امکان پذیر خواهد شد. آن‌ها تعریف می‌کنند که مشتری وقتی وارد شد اول کدام قسمت را ببیند و بعد از دیدن کدام قسمت تصمیم به خرید بگیرد. همزمان با اجرای این طرح به رنگ‌بندی کف فروشگاه و بخش‌هایی که اصلاً به چشم نمی‌آیند توجه ویژه‌ای می‌شود تا بتوانند به خوبی در اکثر افراد حس خرید به وجود بیاورند. همچنین درب ورودی و خروجی کاملاً هوشمندانه طراحی شده و باعث ثبت تصاویر و احساسات زیادی در حافظه مشتری‌ها به عنوان خاطره می‌شوند

به نظر می‌آید ما در دام بدجنسی‌های این فروشگاه‌ها افتاده‌ایم. اما بهتر است بدانید که تمامی این موارد تنها گوشه‌ای از المان‌های تاثیرگذار بر رفتار مشتری هستند و همگی به صورت غیرمستقیم ما را ترغیب به خرید لذت‌بخش می‌کنند که نهایتاً کار ما را در تصمیم‌گیری و انتخاب محصول مورد نظر آسان می‌کند. البته توجه داشته باشید که به هر حال باید آگاه‌تر عمل کنید تا برعکس این اتفاق نیفتد

قدرت و اثر گذاری تربیت غیرمستقیم بسیار بیشتر از حالت مستقیم است و دیگر در این حالت نیازی به مهارت‌هایی که فروشندگان امروزی دارند نخواهد بود

انجام میدم سوم

زمانی که به خرید می‌روید هوشیارانه ببینید که چشم شما اول به کدام قسمت فروشگاه توجه می‌کند و دقیقاً مسیر دید خود را بررسی کنید می‌توانید این کار را با مشتری‌های دیگر هم امتحان کنید. انجام این کار می‌تواند باعث خرید هوشمندانه و جلوگیری از خریدهای هیجانی در شما شود و از طرفی بیشتر می‌توانید کار با تربیت غیر مستقیم را بیاموزید



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

بررسی این مثال در ظاهر شاید ربطی به تربیت فرزند نداشته باشد اما اگر بخواهید از جوانب دیگر کاربرد تربیت غیرمستقیم را بسنجید بهتر است بدانید که نه تنها در این مثال، بلکه در تک تک قسمت‌های زندگی قابل اجراست

کلاس درس یا فروشگاه

البته در اکثر زمان‌ها متوجه تاثیر کارهایی که انجام می‌دهیم نیستیم و حتی زمانی را برای بررسی آن اختصاص نمی‌دهیم. همه ما فروشگاه‌هایی را می‌شناسیم که از زمان افتتاحشان با وجود کوچک بودن، فروش بسیار بالایی دارند. محصولی که ارائه می‌دهند معمولا تکراریست و حتی تبلیغاتی را از آن‌ها در جایی از شهر ندیده‌ایم. همیشه شایعه‌هایی را برای این فروشگاه‌ها می‌سازند و هرکس دلیلی برای چنین تفاوتی ارائه می‌کند اما احتمال صحت این دلایل بسیار کم است

حالا نوبت شماست که با این دیدگاه دلیل برای موفقیت این فروشگاه‌ها پیدا کنید و ببینید که از چه روش غیرمستقیمی استفاده می‌کند که مشتریان حاضرند او را به دیگران هم معرفی کنند چنین اتفاقی در کلاس درس فرزندان ما هم می‌افتد. معلم یا استاد یک مطلب را به صورت واحد به همه دانش‌آموزان آموزش می‌دهد اما آیا فقط هوش بچه‌ها باعث تفاوت در یادگیری آن‌ها می‌شود یا دلایل دیگری هم دارد؟ قطعاً اهمیت هوش در اینجا بسیار کم‌رنگ‌تر خواهد بود ولی عوامل دیگر که مربوط به تربیت غیرمستقیم هستند اثرگذاری بیشتری خواهند داشت. حتی استعداد و تمرکز هم با وجود اهمیت‌شان نمی‌توانند دلیل اصلی این موضوع باشند

جالب‌انگیز

کلاس درس هم مانند یک فروشگاه است که معلم در نقش فروشنده و دانش‌آموزان در نقش مشتری هستند



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

به این قسمت دقت کنید: اگر بخواهیم کمی با دیدگاه تحلیل‌گرانه پیش برویم می‌توان گفت بعد از شروع شکل‌گیری شخصیت فرزندمان او خودش را از بیرون هم تصور می‌کند اما متوجه این فرایند نیست و این اتفاق برای همه ما حتی در سنین بزرگسالی می‌افتد

ظلم یا لطف

وقتی معلم یا استاد، کاری را به فرزند ما می‌سپارد او خودش را آن‌گونه‌ای که ما برایش تعریف کرده‌ایم می‌بیند و با توجه به آن خود را در انجام آن کار موفق یا ناموفق خواهد دید. مثلاً اگر به کارهای بارزش فرزندتان (کارهایی که از نظر خودش با ارزش هستند) بخنید گوشه‌ای از نقش او را شکل داده اید و این شخصیت تقریباً همیشه آماده است که دیگران به او بخنند

حالا وقتی کسی با فرزند شما در ارتباط باشد این حس را می‌گیرد که اجازه خندیدن به او را دارد و معلمش هم ممکن است چنین اجازه‌ای را به خودش بدهد. به همین ترتیب در گروه‌های دوستانه و جاهای مختلف نقش کسی را به خود اختصاص می‌دهد که دیگران اجازه دارند با دلیل یا بی دلیل به او بخنند

خودش در بزرگسالی از این موضوع ناراحت و خسته است اما نمی‌داند چه کاری انجام دهد که دیگر چنین اتفاقی نیافتد. البته فرایند گفته شده بسیار پیچیده‌تر از این تحلیل ساده است اما برای این که دیدگاه کامل‌تری نسبت به تربیت غیرمستقیم و تفاوت در سطوح یادگیری داشته باشید این بررسی را انجام دادم

بزرگ‌ترین مسئله این است که ما به این اتفاقات و نتایج کارهای خودمان به اندازه کافی واقف نیستیم بنابراین ممکن است در پوست یک لطف به فرزند خودمان ظلم کنیم

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندانمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

اثر هم‌افزایی

همه ما تا پایان دوران جوانی و معمولاً قبل از ۴۰ سالگی از خودمان می‌پرسیم که من چه کسی هستم؟ نقش من در اجتماع چیست؟ چگونه باید احساساتم را ابراز کنم؟ که البته این عدد برای همه ثابت نیست اما سوالات همه ما مشابه یکدیگر است. پرسیدن سوالات بالا از خودمان به این وضوح اتفاق نمی‌افتد اما اگر ریشه اکثر سوالات بی‌پاسخمان را بررسی کنیم نهایتاً به سوالاتی مشابه بالا خواهیم رسید

در ارتباط با دیگران معمولاً دو اتصال انجام می‌شود که یکی آگاهانه و دیگری کاملاً ناآگاهانه اتفاق می‌افتد و می‌توان گفت جهت‌دهی این ارتباط بیشتر برعهده اتصال ناآگاهانه است. درواقع هرکدام از ما چیزی شبیه به یک عینک مخصوص بر چشمانمان داریم که به هرکدام از ما بر اساس تربیت و تجارب گذشته دیدگاه مخصوص به خودمان را می‌دهد

تبلیغ هوشمندانه

در فروردین ماه سال ۱۳۹۶ بانک ملت تبلیغ جالبی را روی بیلبوردهای سطح همه شهرهای ایران به نمایش گذاشت به طوری که تقریباً تا مدتی اکثراً درباره آن بحث می‌کردند. احتمالاً شما هم چنین اتفاقی را به یاد دارید و شاید درباره آن قضاوت‌های مختلفی هم کرده باشید





پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندانمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

محتوای این بیلبورد یک سطح کاملا قرمز بود که روی آن با فونت بسیار درشت نوشته شده بود سال ۱۳۹۷ مبارک. برخی از افراد می‌گفتند بانک به این بزرگی چطور می‌تواند چنین اشتباهی را انجام دهد و تقصیر را بر گردن بی‌توجهی مسئولین می‌انداختند و عده‌ای هم متوجه ترفند جالب تبلیغاتی این بانک شده بودند

این بحث که به شبکه‌های اجتماعی هم کشیده شده بود کم‌کم آگاهی مردم را نسبت به آن تبلیغ بالاتر برد و همه فهمیدند که اشتباهی در کار نبوده است. در نتیجه همین موضوع باعث ایجاد هم‌افزایی در مردم شد زیرا خودشان با میل خود درباره این بانک صحبت می‌کردند و با این کار آمار افراد کنجکا و افزایش می‌یافت

متأسفانه در کشورمان یک رفتار مشترک بین مردم وجود دارد و آن هم انتقاد به قصد تخریب است و این موضوع آنقدر تکرار شده که به یک رفتار کاملاً عادی تبدیل شده است. وقتی می‌بینیم همگی این کار را می‌کنند ممکن است در ابتدا کمی مقاومت کنیم اما بعد از مدتی این مقاومت در هم می‌شکند و خودمان هم متوجه این رفتار در خودمان نخواهیم شد

در رابطه با تبلیغ بانک هم چنین اتفاقی افتاد و چون دیدگاه تخریب‌گرانه اکثراً غالب است پس بدون توجه به موارد دیگر فوراً تقصیر را برگردن بی‌توجهی انداختیم. می‌توان گفت این موضوع نوعی هم‌افزایی منفی است که از طریق اتصال ناآگاهانه اتفاق می‌افتد و ما فقط با موج رفتاری ایجاد شده همگام می‌شویم

در تربیت فرزند و حتی تربیت خودمان توسط والدین هم این موضوع به خوبی دیده می‌شود. اگر مثال انتگرال در ریاضی که قبلاً درباره آن صحبت کردم را به خاطر داشته باشید بهتر این قسمت را متوجه خواهید شد. شکل‌گیری شخصیت هرکدام از ما از طریق اتصال ناآگاهانه والدین شروع می‌شود و در همان راستا به پیش می‌رود. هر فردی حاصل یک عمر جمع‌آوری اطلاعات والدینش را دریافت می‌کند و می‌توان گفت ماموریت دارد تا این امانتی را آنقدر رشد دهد تا بتواند حاصل آن را به فرزند خود منتقل کند و این روند تا همیشه ادامه خواهد داشت



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندانمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

ورود به عصر جدید در ایران

در سال ۱۳۷۲ زمانی که برای اولین بار تلفن همراه وارد ایران شد به جرات می‌توان گفت تعداد بسیار اندکی با این تکنولوژی آشنایی داشتند (زیرا ۲۰ سال قبل در کشورهای پیشرفته معرفی شده بود) اما تقریباً ۱۰ سال بعد داشتن تلفن همراه برای بسیاری از مردم ضروری بود

اگر تا همین جا بخواهیم بررسی کنیم می‌توان رشد اطلاعاتی را در نسل قدیم مشاهده کرد. قبل از ورود تلفن همراه تقریباً همه مردم از تلفن‌های آنالوگ سیمی استفاده می‌کردند و قبل‌تر از آن (البته با کمی مزاح) تلگراف، کبوتر و دود نوعی راه ارتباطی به شمار می‌رفت. در این بین فرزندان هر نسل آماده بودند تا با این اطلاعات کلی و همه‌گیر دست و پنجه نرم کنند به طوریکه یک کودک می‌توانست به اندازه پدرش درباره راه ارتباطی مرسوم اطلاعات داشته باشد و با سرعت رشد تکنولوژی پذیرای اطلاعات جدیدتر باشد. اتفاقی که در حال حاضر هم می‌افتد و در آینده شاهد همین روند خواهیم بود

این مثال را می‌توان به همه جوانب زندگی هم نسبت داد. وقتی پدر یک خانواده آسیب زیادی از چک برگشتی می‌خورد و یا مادری از همسر خود در زندگی راضی نیست دو نمونه مثال برای انتقال اطلاعات به فرزند هستند. به احتمال زیاد اتصال ناآگاهانه پدر با فرزندش به او می‌فهماند که پول خطرات زیادی دارد و بهتر است همیشه از آن فاصله بگیرد و یا اتصال ناآگاهانه مادر با فرزندش از او می‌خواهد که ازدواج بسیار سخت‌گیرانه‌ای داشته باشد. بعد از آن فقط کافیست تا در آینده این فرزند موارد مشابه را در جامعه ببیند، مطمئناً مهرتایید را بر اعتقادی که پدر و مادر به صورت ناآگاهانه به او منتقل کرده‌اند می‌زند و بعد از چند بار تکرار توجه این شخص فقط به شکست‌های مالی و یا عاطفی خواهد بود

البته در این سناریو من کمی بی‌رحمانه پیش رفته‌ام و قطعاً چنین موضوعی می‌تواند پایان بسیار لذت بخشی داشته باشد اما به شرط آنکه بدانیم چگونه مسیر تربیتی غیر مستقیم را هدایت کنیم

بخش

۳

پدر و مادر یک قهرمان باشید

www.zehnology.com



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

تربیت قهرمانانه

اگر تا این قسمت کتاب را مطالعه کرده‌اید به شما تبریک می‌گوییم زیرا به قسمت‌های هیجانی و فوق‌العاده کاربردی نزدیک شده‌ایم. احتمالاً تا اینجا کمی از روند تربیت فرزند خود ترسیده‌اید و نگران هستید که کدام کار شما بر کودکان اثر مثبت و کدام کار اثر منفی می‌گذارد اما نگران نباشید زیرا در این بخش روشی را به شما معرفی می‌کنم که در صورت استفاده از آن می‌توانید با خیال راحت بنشینید و موفقیت‌های پیاپی فرزندتان را جشن بگیرید. به بیان دیگر با انجام این کار شما از او یک قهرمان واقعی ساخته‌اید

نکته

شما باید بدانید که نیازی به حفظ کردن مطالب و عکس‌العمل‌ها ندارید بنابراین سعی در به خاطر سپردن آن‌ها نداشته باشید. تغییری که قرار است از این به بعد در روند رشد و پرورش خودتان و فرزندتان اتفاق بیوفتد شاید اصلاً به چشم هم نیاید اما اثرگذاری عمیق آن در بلند مدت تحسین برانگیز خواهد بود. اگر بخواهید تغییرات را به صورت ناگهانی اعمال کنید به احتمال زیاد کاملاً ناگهانی هم آن را فراموش خواهید کرد پس صبور باشید و دیدگاه بلند مدت داشته باشید

همانطور که بررسی کردیم قدرت تربیت غیرمستقیم بسیار زیاد است و تقریباً بیشترین درصد تربیت در هر زمینه‌ای را به خود اختصاص داده است اما بدون استفاده از تربیت مستقیم نمی‌تواند به جهت خوبی راه پیدا کند بنابراین قدرت تربیت مستقیم را هم فراموش نکنید



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندانمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

جالب‌انگیز

برای اکثر ما انسان‌ها تلخ‌ترین روزهای زندگی کودکی‌مان است زیرا وقتی بی‌منطق چیزی را می‌خواستیم با ما مخالفت می‌کردند. ما را مجبور می‌کردند کاری را انجام دهیم که دوست نداریم. همیشه به ما امر و نهی می‌کردند و می‌خواستند بتوانیم خوب را از بد تشخیص دهیم. حالا که بزرگ شده‌ایم می‌دانیم که همه آن‌ها به نفع ما بوده اما در دوران کودکی که نمی‌دانستیم که پدر و مادرمان چقدر به نفع ما عمل می‌کنند

بنابراین با بسیاری از آن زجرها بزرگ شدیم و اجازه شکوفایی به کودک درونمان داده نشد. (اینکه در کودکی بسیار بازیگوش بوده‌اید نشان از شکوفایی کودک درون نیست) والدین ما و والدین والدین ما و قبل‌تر از آن‌ها، در این‌باره حق داشتند زیرا نمی‌دانستند که در حال انجام چه کار مهمی هستند آن‌ها فقط کاری که گذشتگان می‌کردند را به نسبت زمان خودشان انجام می‌دادند

همین حالا هم بسیاری از والدین در حال انجام همان نوع تربیت گذشته هستند و تنها تفاوتی که در آن ایجاد شده تبدیل شدن آن به زبان امروزی است. اما شما که با علاقه تا این قسمت کتاب را خوانده‌اید همان تغییر دهنده‌ها هستید زیرا از حالا مسئولیت تربیت قهرمان‌گونه فرزند خود را بر عهده خواهید گرفت



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

سناریو جالب

تنها کار لازم، تغییر در خودتان است. شما نیاز دارید تا شکوفا شوید و پیش‌نیاز یک اتصال ناآگاهانه با فرزندتان را فراهم کنید زیرا قهرمان‌ها زیر دست انسان‌ها عادی پرورش پیدا نمی‌کنند و فرزند قهرمان والدین قهرمان را می‌طلبد

بگذارید یک سناریو را بررسی کنیم که اگر به فرزندتان توصیه‌های فوق‌العاده‌ای بکنید چه اتفاقی برای او خواهد افتاد: به فرزند خردسال خود توصیه می‌کنید که اگر به کبریت دست بزنی می‌سوزی و بعد از آن یک کبریت را روشن می‌کند، دست خود را به شعله آن می‌زنید و ادای کسی که سوخته است را در می‌آورید

چه اتفاقی می‌افتد؟ تا اینجا ممکن است توانسته باشید که با ثبت یک تصویر دردناک او را از احتمال سوختن با کبریت دور کنید. **بیایید ادامه دهیم:** به دلایل مربوط به خودتان به شخصی دروغ گفته‌اید و بعد از مدتی او فهمیده است. اما خوشبختانه مسئله آن‌قدر ساده بوده که هیچ‌گونه ناراحتی را به وجود نیاورده است. شب همان روز داستان را برای همسر خود تعریف می‌کنید و شاید به آن بخندید و کودک شما که به بازی کردن مشغول است هم می‌شنود اما اصلاً نمی‌داند درباره چه چیزی صحبت می‌کنید

چه اتفاقی می‌افتد؟ در ذهن ناهوشیار کودک، دروغ (که اصلاً نمی‌داند چیست) با پدر و مادرش جمع بسته می‌شود. همچنان ادامه می‌دهیم: بلاخره روز یک خرابکاری نسبی از کودکتان از راه می‌رسد و او همه تلاش بچه‌گانه‌اش را می‌کند تا شما را قانع کند که تقصیری ندارد و البته با احترام عذرخواهی هم می‌کند و شما با روی باز و مهربانی او را می‌بخشید و حتی به او بابت رفتار تحسین برانگیزش هدیه‌ای هم می‌دهید. (ممکن است او را نوازش کنید) **چه اتفاقی افتاد:** در بهترین حالت فرزند شما فهمید که می‌تواند هرگاه اشتباهی کرد به شما راست بگوید و شما هم



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

به او فرصت می‌دهید تا اشتباهش را جبران کند. به صورت خلاصه در حالت هوشیاری فهمید که دروغ، مخصوصاً به پدر و مادر بسیار بد و نادرست است

دوست دارید ادامه دهیم؟ کمی در اینجا توقف می‌کنیم و به بررسی تناقضی که اتفاق افتاده می‌پردازیم. در اتصال ناآگاهانه والدین با فرزند، اجازه دروغ‌گویی به پدر و مادر داده شد و می‌توان گفت در ذهن فرزند دروغ با پدر و مادرش جمع بسته شده و حالا اینجا فهمید که دروغ کار بدی است و نباید هیچوقت دروغ بگوید. این کودک اصلاً به یاد ندارد که در گذشته از پدر و مادرش چه چیزی شنیده است اما بدون این‌که بداند چرا این‌کار را می‌کند دفعه بعد که اشتباهی را مرتکب شد ترجیح می‌دهد همه موضوع را به طور کامل بیان نکند و اینجا آغاز دروغ‌گویی او است

به نظر شما چرا تمایل به دروغ‌گویی دارد؟ بخشی از دلیل آن به سن یک کودک بستگی دارد اما بخش عظیم آن تناقض ناآگاهانه در ذهنش است. در ناخودآگاه ثبت شده که والدینم دروغ گفتند و حتی به آن خندیدند. از طرفی من فهمیدم که آن روز که پدر یا مادرم با کبریت سوخت یک نمایش (دروغ) بود و واقعا دستش نسوخت. از طرفی در خودآگاه او ثبت شده که من نباید دروغ بگویم چون دلیلی برای آن ندارم و پدر و مادرم مرا بابت آن سرزنش نمی‌کنند، من هم تلاش می‌کنم که دیگر این اتفاق نیافتد

ترکیب این موارد به صورت زیر در می‌آید

والدین من خوب هستند + دروغ‌گویی بد است + والدین من دروغ گفتند + والدین من برایم نمایش بازی کردند = پس والدین من می‌توانند بد باشند
نتیجه: **حالت اول:** من هم بد می‌شوم **حالت دوم:** از والدینم دوری می‌کنم
البته همه این نتیجه‌گیری‌ها در ناخودآگاه انجام می‌شود و هیچ‌کدام از ما نمی‌توانیم آن را به این شکل ببینیم



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

همین سناریو ساده که مشابه آن بارها و بارها در طول روز تکرار می‌شود چنین ترکیب عجیبی را شکل خواهد داد و ما اصلاً خبر نداریم که چرا فرزندمان در سن ۲۰ سالگی از ما دوری می‌کند. البته دقت کنید که عوامل بسیار زیادی در این موضوع دخالت دارند اما بذر دوری یا دروغگویی در چنین مواقعی کاشته می‌شود

چهره واقعی

حالا باید چه کاری انجام دهیم؟ برخی می‌گویند از اشتباهاتمان حرف نزنیم و یا جلوی فرزندمان چیزی نگوییم. عده‌ای هم می‌گویند این امکان‌پذیر نیست اما نباید دروغ بگوییم. همچنین ممکن است گفته شود که هنگام توصیه کردن نباید فیلم بازی کنیم

قطعاً نیازی به هیچ‌کدام از این کارها نخواهید داشت زیرا همه ما ممکن است دروغ بگوییم و بعد به آن بخندیم و یا دوست داشته باشیم از طریق اجرای یک نمایش کوتاه درسی را به فرزندمان بدهیم. کودک ما هم ممکن است آنقدر اشتباه کند که همه از دستش کلافه شوند اما باز هم دلیل بر یک اتفاق ناگوار مانند دوری از خانواده نخواهد بود. اما اینکه عواقب کارت‌تان را کاملاً بررسی کنید و نخواهید شخصیت واقعی‌تان را پنهان کنید می‌تواند کارسازترین راه باشد زیرا با یک بار انجام شدن کاری، می‌توانید مطمئن باشید که اتفاق خاصی نخواهد افتاد ولی تکرار شدن آن قطعاً باعث یک اتفاق و نتیجه خواهد بود

اگر فرزند شما یک‌بار در ناخودآگاه احساس کند که دروغ‌گو هستید و این موضوع در شما، یک رفتار به شمار برود قطعاً می‌توانید یک فرزند دروغ‌گو و یا بی‌میل به خانواده را پرورش دهید. حتی اگر دروغ‌گویی‌هایتان را کاملاً از او مخفی نگه دارید باز هم شخصیت‌تان زیر سوال خواهد رفت



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

دقت کنید که در این‌جا هرگز از شما نخواستم دروغ نگویند بلکه می‌خواهم برای خودتان خط قرمز ترسیم کنید تا از مرزهایش پا را فراتر نگذارید و این‌گونه فرزندى شبیه به خودتان پرورش خواهید داد. فرزندى که می‌داند دروغ همیشه جزئی از زندگی است اما باید جسارت راستگویی را هم داشته باشد

آغاز یک اتفاق خوب

شاید این قسمت از کتاب برای عده زیادی مورد علاقه باشد چون حالا که به قدرت پیام‌های مخفی پی بردیم می‌دانیم که چگونه فرزند خود را جهت دلخواه هدایت کنیم. اما دست نگه دارید!!! لازم است قبل از استفاده آگاهانه از پیام‌های مخفی، خودتان را آماده کنید. بخش بزرگی از این آمادگی، به عزت نفس و همچنین توانایی محبت بی دریغ شما برمی‌گردد. شکوفایی در فرزندتان زمانی اتفاق می‌افتد که به سمت دلخواه خودش برود نه آن سمتی که شما برای او تعیین می‌کنید

باید بپذیرید که فرزندتان مسئول رسیدن به رویای دیرینه شما نیست - اما خودتان هستید - و هیچ بهانه‌ای هم بابت این موضوع پذیرفته نخواهد بود. اگر فرزند قهرمان می‌خواهید باید جسارت کنید و قدمی هرچند کوچک به سمت رویای خودتان بردارید تا با اتصال ناآگاهانه، به او بیاموزید که رویایش را دنبال کند. لازم است تا او را همیشه تشویق کنید حتی زمان‌هایی که اشتباهی را مرتکب می‌شود. او را به اشتباه‌های هوشمندانه و پر از درس زندگی هدایت کنید و دست حمایت را هیچ‌گاه از پشت او بردارید

آنقدر در همه چیز او را تشویق کنید تا احساس کند به اندازه کل دنیا نیرو در خود ذخیره کرده است و می‌تواند به بزرگ‌ترین آرزوهایش برسد. او را بابت تفاوت‌های احتمالی با دیگران سرزنش نکنید حتی اگر در مدرسه نمره پایینی را کسب کرد هرگز با سرزنش کردن پاسخش را ندهید و اتفاقاً بیشتر او را تشویق کنید که به جای نمره بالا آوردن علاقه خود را بیابد و آن را دنبال کند. در صورتی که در نتایجش ۱۰ خطا داشت و تنها یک درست، شما او را بابت آن یک نتیجه درست، تشویق کنید تا از آن ۱۰ نتیجه نادرست درس بگیرد، نه این‌که به خودتخریبی عادت کند



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

تفاوت را درک کنید

برای کار با پیام‌های مخفی لزومی ندارد رمز و راز خاصی را بدانید اما قطعاً لازم است که خودتان پیش‌گام باشید. تفاوت خود را با فرزندتان درک کنید و از او نخواهید که موفقیت‌های شما را تکرار کند و یا از شکست هایتان درس بگیرد. به عنوان مثال اگر شما در مدرسه شاگرد اول بودید و یا مهارت فنی خوبی داشتید فرزندتان را مجبور نکنید همانند گذشته شما باشد زیرا ممکن است توانایی شما در کسب نمرات خوب، بالا باشد اما توانایی فرزندتان در ماجراجویی و چیزهایی از این دست باشد

ایجاد چنین نگرشی در شما یکی از بهترین پیام‌های مخفی است که می‌توانید به فرزندتان منتقل کنید. به زندگی در هر شرایطی امیدوار باشید و اجازه دهید که فرزندتان تا آخر عمر شما را قهرمان خود خطاب کند. هر وقت در زندگیش به ناامیدی می‌رسد به یاد شما مسیرش را ادامه دهد تا بهترین نتایج را کسب نماید. این توصیه‌های کلی بهترین نوع پیام‌های مخفی هستند زیرا شما را وادار می‌کنند که حرف و عملتان کاملاً یکی باشد و مجبور نشوید خود واقعی‌تان را در پشت نقاب یک شخصیت دیگر مخفی کنید زیرا در این صورت فرزندتان هم شبیه خود واقعی‌تان می‌شود نه آن نقاب

به جای آن‌که یکی یکی پیام مخفی طراحی کنید وقت خود روی خودتان سرمایه‌گذاری کرده و تا آنجایی که توان دارید مهارت‌های جدید زندگی را یاد بگیرید و حتماً آن‌ها را به مرحله اجرا برسانید. با این کار پیام‌های مخفی خود به خود و به بهترین شکل طراحی می‌شوند و در محکم‌ترین راه ارتباطی به فرزندتان منتقل خواهند شد



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

بروزرسانی کنید

لطفاً به این سوال عمیقاً فکر کنید: چه چیزی در این جهان درست است؟ من می‌گویم هر پاسخی که شما به سوال بالا داده‌اید درست است اما آن را تایید نمی‌کنم. چرا بدون آن که بدانم پاسخ‌تان چیست می‌گویم درست است؟ زیرا در این جهان ما هیچ چیز درست یا غلطی نداریم. بسیاری از دانشمندان بزرگ گذشته نظریه‌های فوق‌العاده‌ای داده‌اند که دانشمندان امروز کاملاً آن را نقض می‌کنند اما نه هیچ‌کدام درست است و نه نادرست

آقای زیگموند فروید که تقریباً همه ما آشنایی با ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه را مدیون ایشان هستیم توسط یکی همکارانش به چالش کشیده شد. نام این فرد کارل گوستاو یونگ بود. این شخص نظریه جدیدی را ارائه کرد که درباره ناخودآگاه جمعی بحث می‌کرد. البته بحث درباره نظریه این شخص از حوصله کتاب خارج است اما می‌توان به این پی برد که نه آقای فروید اشتباه می‌کرد و نه یونگ. فقط دو نظریه متفاوت ارائه شده که می‌توانند یکدیگر را نقض کنند و البته باعث تکمیل نظریه مخالفشان نیز باشد

بنابراین وقت آن رسیده که ما تغییری در گذشته خود ایجاد کنیم. درست است نمی‌توانیم به گذشته سفر کنیم اما بار و توشه‌ای که از آن زمان با خود حمل می‌کنیم را باید بروز و آپدیت نگه داریم. محتویات توشه ما گاهی به شکل عقاید خودشان را نشان می‌دهند و گاهی هم به شکل یک رفتار ناگهانی در می‌آید که باعث تعجب همه و حتی خودمان می‌شود

در برخی موارد ما آگاهیم که در حال اشتباه کردن هستیم اما باز هم آن را انجام می‌دهیم و سعی می‌کنیم به خودمان ثابت کنیم که نه من آن لحظه نمی‌دانستم در حال اشتباه کردن هستم. منظور من از خودآگاهی دقیقاً همین است که فقط دست از توجیه خودمان بابت اشتباهاتمان برداریم و اینجا تفکر انتقادی به کمک ما خواهد آمد



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندانمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

انجام میدم چهارم

تکنولوژی امروز را با دوران جوانی والدین خود مقایسه کنید و ۱۰ تغییر اساسی آن را بنویسید. سپس تغییراتی که تکنولوژی امروز بر تربیت فرزند گذاشته است را لیست کنید و ببینید چه موارد تربیتی را باید نسبت به کودک خود تغییر دهید که از والدین تان یاد گرفته‌اید

بسیاری از عقاید گذشته ما که در لایه‌های زیرین حافظه‌مان به خوبی ثبت شده‌اند در دنیای امروز دیگر کاربرد لازم را ندارند بنابراین لازم است آن‌ها را دستخوش تغییرات امروزی قرار دهیم تا اثر مفیدی برایمان داشته باشند. اگر دقت کنید در اینجا ما عقاید را کاربردی و بدون کاربرد معرفی کردیم و این دقیقا کاری است که شما با خودتان انجام می‌دهید

نیازی به نقض عقاید والدین خود ندارید فقط آن را بسنجید که آیا در حال حاضر اثر لازم را دارد یا خیر. جسارت داشته باشید و اگر از باور مربوط به گذشته خبر دارید و می‌دانید که کاربرد خود را از دست داده فوراً آن را با یک عقیده کاربردی جایگزین کنید. بسیاری از افراد در این مرحله نیروی پیشرونده خود را از دست می‌دهند و فقط در نقش یک تماشاچی به توجیه‌های ذهن خود گوش می‌دهند و بعد از مدتی کاملاً فراموش می‌کنند که قرار بود چیزی تغییر کند

آزمایشی که شکست خورد

من تلاش کردم این موضوع را آزمایش کنم. به همین دلیل چند عقیده ساده را که مربوط به ۵ نفر بودند بیرون کشیده و از آن‌ها خواستم بعد از انجام یک سری کارهای مربوط به تغییر عقیده به سوالات من پاسخ دهند. پاسخ‌ها جالب بود زیرا همه نشان می‌دادند که عقیده مربوط به خودشان را با نمونه بهتری جایگزین کرده‌اند اما من به مدت یک ماه آن‌ها زیر نظر گرفتم و در رفتارهای هیجانی خود بازهم آن عقاید قبلی به وضوح قابل مشاهده بود



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندانمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

عوامل بسیاری می‌توانند در شکست من در این آزمایش تاثیرگذار باشند اما در این رابطه یک نتیجه می‌توان گرفت: ما انسان‌ها در بسیاری موارد خودمان هم نمی‌دانیم در ذهنمان چه می‌گذرد. منظور از ذهن این‌جا ناخودآگاه نیست بلکه در خودآگاه و هوشیاری است

به عنوان مثال شخصی که دروغ می‌گوید قطعاً دروغ را به عنوان یک رفتار بد پذیرفته است اما در یک شرایط نامساعد و در کلنجار با خودش، بد بودن دروغ را فراموش می‌کند و با تکرار این موضوع کم‌کم دروغ‌گویی به عنوان رفتاری نجات‌دهنده در ناخودآگاهش ثبت می‌شود

سوال جالب

اگر من از شما بپرسم همین حالا به چه چیزی فکر می‌کنید پاسخ‌تان چیست؟ کمی فکر کنید و سپس به سراغ سوال بعد بروید

بعد از پاسخ دادن چقدر مطمئن هستید که درست گفته‌اید؟ کاملاً بررسی کنید و بعد ادامه کتاب را بخوانید



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندانمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

در همین سوال ساده می‌توان به پیچیدگی‌ها ذهن انسان ایمان آورد زیرا همه ما همزمان به فکری که در ذهنمان است هم فکر می‌کنیم یعنی در یک لحظه به دو موضوع متفاوت فکر کرده‌ایم

موضوع اول: فکر مورد نظر **موضوع دوم:** فکر به آن فکر مورد نظر

اگر هنگام خواندن جملات بالا کمی به مغز خود فشار وارد کرده اید نگران نباشید، زیرا تقریباً همه ما از چنین جملاتی فراری هستیم بنابراین به برداشت خود اکتفا کنید و با من همراه کتاب باشید چرا این موارد را توضیح دادم؟ زیرا اهمیت حضور در خودآگاه بسیار زیاد است

شما با استفاده از خودآگاهی می‌توانید به عواقب تصمیم خود تا حدود زیادی پی ببرید و در تربیت فرزند می‌توانید به خوبی از آن استفاده کنید. تنها کافیست عقاید گذشته که دیگر کاربردی ندارند را پیدا کرده و با عقاید مفید جایگزین کنید



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندانمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

چک لیست کارهایی که باید بعد از مطالعه کتاب انجام دهید

بعد از مطالعه این کتاب احتمالاً تلاش می‌کنید تا اطلاعاتش را در زندگی خود پیاده سازی کنید بنابراین ممکن است کمی دچار سردرگمی شوید اما نگران نباشید. اقدامات لازم درون این چک لیست را انجام دهد تا از این سردرگمی بیرون بیاید

اول: مطالعه مقالات مکمل کتاب که از طریق لینک‌های زیر قابل دسترسی هستند

تعریف نگرش

گفتگوی درونی چیست؟

مهارت تفکر انتقادی

خودتخریبی چیست؟

خودکارآمدی چیست؟

حسن جویی چیست؟

تفکر خلاق چیست؟

خوشبینی چیست؟

استرس چیست؟

افزایش اعتماد به نفس

افزایش عزت نفس



پدر و مادر یک قهرمان باشید

بسیاری از ما می‌دانیم که فرزندانمان شبیه به خودمان می‌شود اما نمی‌دانیم خودمان باید چگونه باشیم تا فرزند بهتری پرورش دهیم

دوم: یادداشت برداری از نتایج خود

به مدت ۳۰ روز رفتارهای خودتان را زیر نظر بگیرید و نتایجی که احساس می‌کنید به خاطر این رفتار کسب کرده‌اید را یادداشت کنید. این رفتارها می‌توانند خوب یا بد باشند ولی خیلی مهم نیست. بنابراین با بی‌رحمی تمام آن‌ها را یادداشت کرده و کاملاً با خودتان روراست باشید. این کار نظم عجیبی به افکار شما در هنگام تصمیمات جدید در زندگی خواهد داد

سوم: کاری را که فکر می‌کنید خیلی وقت است باید انجام دهید را شروع کنید. ترسی که امروز مانع شماست فردا کاملاً بی‌اهمیت است. اگر تا به حال انگیزه لازم را برای شروع نداشتید حالا به فرزند یا فرزندان خود فکر کنید زیرا این کار شما قطعاً روی آن‌ها اثر قهرمانانه خواهد داشت

چهارم: مطالعه کتاب الکترونیکی **”۱۱ تفکری که هر فردی برای موفقیت به آن نیاز دارد“**. برای دانلود این کتاب به صورت رایگان فقط کافیست عبارت زیر را در گوگل جستجو نمایید

۱۱ تفکری که هر فردی برای موفقیت به آن نیاز دارد

پنجم: مطالعه کتاب اصلی و چاپ‌شده پدر و مادر یک قهرمان باشید که از لینک زیر قابل تهیه است

پدر و مادر یک قهرمان باشید